

سید طاووس

حضرت آیت الله بهجت می فرمودند:
«مثل سیدبن طاووس بنده ندیده‌ام کسی که در این راه، در
تعبدیات، برساند خودش را به جایی که تالی **تلو معصومین**
است. خودش قائل به (مقام) الهام است.»

شهرها هم مانند انسان‌ها هستند؛ برخی از برخی دیگر
پربرکت‌ترند. مثلاً شهر قم؛ از قرن‌ها پیش، مکان پرورش
عالمانی بوده است که کوشش‌هایشان برای تمام شیعیان تاریخ
سودمند بوده است. حله هم از قبیل همین شهرهاست. روزگاری
مرکز فقاقت بود. بزرگانی چون علامه حلی، ابن فهد، ابن نما
و محقق حلی، اهل این دیار بودند. سید علی بن موسی بن
جعفر بن طاووس نیز یکی از ایشان است. نسل ایشان به امام
حسن مجتبی و امام سجاد علیهما السلام می‌رسد. مادر سید نیز از خاندان
عالمان دین بود، دختر ورام بن ابی فراس؛ عالمی از نسل مالک
اشتر نخعی که یادگار ارزشمند او، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر
هنوز مورد استفاده اهل فضل است. مادر بزرگ پدری سید نیز نوه
دختری شیخ طوسی بود. به همین سبب است که گاهی سید از
شیخ طوسی با عنوان «جَدّ» خود یاد می‌کند.

سید در ماه سوگواری اهل بیت علیهم السلام به دنیا آمد؛ در نیمه محرم سال
۵۸۹ هـ. ق. بعدها نیز از پیشگامان ترویج سوگواری سیدالشهدا
شد. کتاب «لهوف» شاهدهی زنده برای این ادعاست.

سیدبن طاووس هوش و استعداد عجیبی داشت. در دامن پدرش
و جدش ورام بن ابی فراس تحصیل علم را آغاز کرد. خودش
می‌گوید که آنچه را دیگران در طول چند سال می‌آموختند، او در
یک سال یاد می‌گرفته است. جدش او را سفارش کرده بود که
اگر در امری که به صلاح اوست وارد می‌شود، به مراتب پایین



فانع نشود. او این سفارش را خوب عمل کرد؛ به طوری که پس از چندین قرن، بزرگان شیعه بر عظمت او شهادت دادند. علامه محدث نوری، می‌گوید: «او کسی است که عالمان شیعه - با آن اختلاف‌هایی که در مشرب و روششان بوده - بر صدور کرامات از هیچ کسی جز او اتفاق نظر پیدا نکرده‌اند...».

قلم سید بسیار پربرکت بود. در طول عمر خویش، کتاب‌هایی نوشت که اگر او نوشته بود، شاید هیچ کس دیگر نمی‌توانست بنویسد. میراث عظیم و گران‌بهای معارف اهل بیت علیهم‌السلام را که از طریق ادعیه و زیارات نقل شده بود، در بیش از ده جلد کتاب جمع کرد و به یادگار گذاشت؛ میراثی که در آن زمان غریب و مهجور بود و حتی در این زمان نیز چنین است.

علامه حلی که شاگردی سید را افتخار خویش می‌دانست، درباره استادش می‌نویسد: «رضی‌الدین علی، صاحب کرامات بود. برخی از آنها را خودش و برخی دیگر را پدرم علیه‌السلام برایم نقل کرد». در لابه‌لای کتاب‌هایش نیز برخی از کراماتش را نوشته است. گویا این مطالب را برای خود فخری نمی‌دانسته و همه را از عنایات پروردگار می‌دیده. محدث نوری بعضی از کراماتش را «برای ادای بعضی از حق‌هایی که بر اسلام دارد» ذکر کرده است. باز هم محدث نوری که خودش اهل کرامت است و با این‌گونه معانی‌آشناست، در تمجید از سید می‌نویسد: «از برخی قسمت‌های کتاب‌های سید؛ به ویژه کتاب کشف‌المحججه چنین برمی‌آید که باب ملاقات با امام عصر صلوات‌الله‌علیه برای او باز بوده است». سید، امام زمان خویش را شناخته بود و برخی از دعاها را خودش بی‌واسطه از حضرت ولی عصر علیه‌السلام شنیده بود.

مورد توجه امام عصر بود، تا جایی که آن حضرت گاهی برایش پیغام می‌فرستاد و در ماجرای تشرف اسماعیل هرقلی، او را «فرزندم» خطاب فرمود.

پیش از وفات، مکان قبر خود را مشخص کرده بود. قبری در جوار جدش امیرالمؤمنین علیه‌السلام در پایین پای پدر و مادرش؛ «واخفض لهما جناح الذل...». پایان عمر با برکتش روز دوشنبه، پنجم ذی‌القعدة سال ۶۶۴ ه.ق. بود. رحمت خدا بر او باد.

